



پژوهشکده مطالعات فناوری

TECHNOLOGY STUDIES
I N S T I T U T E

www.tsi.ir

بسمه تعالی

عنوان پروژه: بررسی ساز و کارهای نهادهای مدیریت اقتصاد در ایران و دنیا

خلاصه مدیریتی:

در حالی که کشور ما از لحاظ منابع در وضع مناسبی قرار دارد و از سوی دیگر انگاره‌های شکل گرفته در دوران جمهوری اسلامی، محدودیت‌های برونزای پیش روی ما را کاهش داده است، اما از لحاظ نهادی در چنان محدودیت‌هایی گرفتار شده‌ایم که منابع موجود را در تله‌های خودساخته گرفتار کرده است و این تله‌های خودساخته نیز در گذر زمان انرژی داخلی ما را به صورت قابل توجهی تحلیل برده است. اهمیت این واقعیت زمانی برای ما بیشتر می‌شود که بدانیم اقتصاد سیاسی بین‌الملل در ذیل منافع قدرت‌های بزرگ به نحوی است که طرح مسئله استقلال در صورتی که نتواند بر این موانع نهادی فائق آید در بلندمدت تنها زمینه تشدید خصومت دشمنان را فراهم خواهد نمود که این موضوع فشارهای اقتصادی کنونی را تشدید خواهد کرد. حال، پژوهش حاضر سعی نموده است بر اساس رویکرد طوفان مغزی و گفتگوی خبرگانی، ضمن ارائه روایتی مقدماتی از این بن‌بست‌های نهادی، بینش‌های جدیدی در خصوص تحول نهادی در امر توسعه کشور و حل معضلات پیش روی فضای کسب و کار کشور ارائه دهد. پر واضح است، هر یک از این موضوعات، خود نیازمند پیگیری‌ها و دقت‌های نظری و مطالعات تجربی بیشتری هستند و بر همین اساس در هر بخش سعی شده است با طرح پرسش‌هایی اساسی زمینه‌های پیگیری‌های پژوهشی آتی مرتبط نیز، مشخص شود.

بایستی توجه داشت که مفروض مهم این روایت آن است که گذار از مراحل توسعه نیافتگی بدون وجود دولتی کارآفرین که از انفعال در برابر این چالش‌های نهادی جلوگیری کند، اسطوره‌ای بیش نیست. زیرا، دولت است که در مقام کلیت با پذیرش ریسک‌های کلان تحول به ویژه در عرصه نوآوری‌های صنعتی، از انحراف مسیر منابع جامعه به سمت منافع صرفاً بخشی و کوتاه‌مدت جلوگیری می‌نماید و همانند پدری با حل این بن‌بست‌ها، از مسیر رشد قابلیت‌های فرزندان خود (بنگاه‌ها و شرکت‌های اقتصادی) حراست می‌کند. اما چگونگی ایفای این نقش و

کارویژه‌های آن، همچنان معرکه آرا و اقوال است که در این پژوهش سعی شده است به برخی از ابعاد آن اشاره شود.

در این چارچوب، در بخش نخست، سعی شده است با تمرکز بر موضوع **ماهیت کالاها و خدمات**، مفهوم مهم **شکست بازار** که درک غلط از آن، زمینه بسیاری از ناکارآمدی‌های کنونی را بوده است، از منظر جدیدی مورد واکاوی قرار گیرد و با ارایه شواهدی بر این نکته تأکید گردد که شکست بازار بیش از آنکه ناشی از ماهیت کالاها و خدمات باشد ناشی از نوع **مقررات‌گذاری بخش حاکمیتی** است.

در بخش دوم و از منظر دیگری با ورود به بحث **ضرورت برنامه‌ریزی بالا و پایین** سعی شده است با اشاره به جایگاه **مغفول نهاد عمومی غیردولتی** در توسعه و برشمردن اشکالات دوگانه معیوب خصوصی - دولتی، الگوی جدیدی از نقش دولت در امر توسعه ارایه گردد. در همین راستا، در بخش سوم، با اضافه نمودن مباحث دیگری تحت عنوان عوامل پایه‌ای برنامه‌ریزی، سعی شده است با معرفی سطوح پایه حکمرانی، بازارهای پایه و نهادهای پایه به عنوان نقاط اهرمی حکمرانی اقتصادی هر کشور، رابطه دولت و بخش‌های غیردولتی و جایابی هر یک در امر توسعه مجدداً با تفصیل بیشتری ارایه گردد.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در ریل‌گذاری و اصلاح مسیر توسعه کشور، در عوض تمرکز بر تعیین اولویت‌های تخصیص منابع مالی دولت در سازمان برنامه، بایستی بر طراحی صحیح رابطه نهادها متمرکز گردیم که پژوهش حاضر در خصوص چگونگی این اصلاح پیشنهاداتی را ارایه نموده است. به عبارت بهتر، تعیین دقیق نقش رابطه بخش عمومی غیردولتی با نهاد دولت، رابطه نهاد متولی توسعه با وزارتخانه‌ها در صحنه رگولاتوری و تعیین نقش دقیق هر یک در این رگولاتوری، رابطه بخش عمومی غیردولتی با بخش خصوصی، تعیین مرز بهره‌بردار، توسعه‌دهنده و پیمانکار در هر یک از رسته‌های کسب و کار صنعتی و رابطه نهادهای غایب احتمالی دیگر با این نهادها از مقدمات پایه‌ای و کمتر مورد توجه توسعه در ایران و وظیفه اصلی دستگاه حاکمیتی است که پژوهش حاضر در خصوص چگونگی چینش نهادی آنها پیشنهاداتی را ارایه نموده است.